

هادی خسروشاهین*

حل معادله سه متغیره

ترامپ یا بایدن کدام یک برای ایران بهتر است؟ این پرسشی است که این روزها ذهن افکار عمومی و حتی نخبگان سیاسی ایران را به شدت به خود مشغول کرده است، اما برای کشف و سپس حل این معمای مهم و راهبردی باید روشی دقیق و واقع‌بینانه را در پیش گرفت.

به نظر می‌رسد گام اول برای حل این معما را باید از طریق شناسایی نقاط اشتراک و افتراق دو حزب جمهوریخواه و دموکرات برای اتحاد با ایران برداشت؛ با این مطالعه تطبیقی آن وقت خواهیم توانست گام‌های دیگر برای حل این معمای پیچیده را ساده‌تر از پیش برداریم. با توجه به الگوهای رفتاری و همین‌طور سیاست‌های اعلانی و اعمالی دولت‌های پیشین و کنونی دموکرات و جمهوریخواه می‌توان این موارد مشترک و همچنین متمایزکننده را مورد شناسایی قرار داد:

نقاط اشتراک:

الف: هر دو حزب رفتارهای ایران را برهم‌زننده ثبات در منطقه می‌دانند؛ به عبارت بهتر نفوذ منطقه‌ای ایران را به عنوان عامل برهم‌زننده توازن و خروج این منطقه از نقطه تعادلی می‌پندارند.

ب: عدم دسترسی ایران به نقطه گریز هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم در سطح بالای ۲۰ درصد جزو منافع حیاتی هر دو حزب در منطقه محسوب می‌شود.

ج: دو حزب اصلی آمریکا به دنبال سیاست مهار ایران در منطقه هستند.

د: نگرانی‌های هر دو حزب به جز مساله هسته‌ای، به نقش منطقه‌ای و همین‌طور موشک‌های بالستیک ایران نیز بازمی‌گردد.

ه: هر دو حزب به دنبال پیگیری سیاست کم‌هزینه در برخورد و مواجهه با ایران هستند، از همین رو هیچ کدام از این احزاب پروژه جنگ (WAR) نه حمله

(ATTACK) به ایران را دنبال نمی‌کنند.

و: هر دو حزب تحریم‌های اقتصادی را به عنوان یکی از اهرم‌های مهم در هر نوع مذاکره با ایران تلقی و تصور می‌کنند.

ز: چه دموکرات و چه جمهوریخواه به دنبال تبدیل ایران از یک بازیگر ضد هژمون به یک بازیگر عادی در نظام منطقه‌ای خاورمیانه و حوزه خلیج فارس هستند.

ح: هر دو حزب به اسرائیل و عربستان و برخی کشورهای عربی دیگر نظیر امارات و مصر به چشم متحدان خود نگاه می‌کنند و به طور طبیعی ایران را به عنوان حداقل بازیگر رقیب و حداکثر دشمن می‌پندارند.

به این لیست بلند بالا می‌توان موارد دیگری را نیز اضافه کرد، ولی مهم‌ترین رؤس مشترک دو حزب دموکرات

و جمهوری ZWNJ؛ خواه همان مواردی است که به آن اشاره شد.

نقاط افتراق:

الف: حزب جمهوری ZWNJ؛ خواه به دنبال تحقق یک توافق راهبردی و کلان در ارتباط با ایران و در همه موارد و حوزه ZWNJ؛ های مورد نگرانی آمریکا است. از همین رو پیش از انجام این توافق بیشتر بر ابزار چماق یا همان اهرم تحریمی و همچنین تشکیل ائتلاف ZWNJ؛ های منطقه ZWNJ؛ ای برای تحت فشار قرار دادن ایران از حیث استراتژیک و ژئوپلیتیک تکیه می ZWNJ؛ کند.

در واقع ابزار هویج را زمانی روی میز می ZWNJ؛ گذارد که ایران پشت میز مذاکرات نشسته باشد. اما در مقابل دموکرات ZWNJ؛ ها از یک رویکرد تک ZWNJ؛- چند توافقی حمایت می ZWNJ؛ کنند یعنی یک توافق کلی و کلان شامل محدودسازی تنش ZWNJ؛ های منطقه ZWNJ؛ ای، بازگشت به برجام و همچنین اخذ تعهدات لازم برای انجام مذاکرات آتی با ایران در حوزه اصلاح برجام، نقش منطقه ZWNJ؛ ای و موشک ZWNJ؛ های بالستیک است. از همین رو این حزب در استراتژی خود ابزار چماق و هویج را به طور توأمان پیش می ZWNJ؛ برد.

ب: حزب دموکرات برنامه عمل ZWNJ؛ گرایانه ZWNJ؛ تری نسبت به حزب جمهوری ZWNJ؛ خواه در ارتباط با نقش منطقه ZWNJ؛ ای و گروه ZWNJ؛ های نیابتی ایران دارد. از همین رو محور معامله و مذاکره را بر سر محدودسازی اشاعه تکنولوژی موشکی ایران به گروه ZWNJ؛ های نیابتی ZWNJ؛ اش قرار می ZWNJ؛ دهد، نه از میان بردن این گروه ZWNJ؛ ها. همین ZWNJ؛ طور انعطاف ZWNJ؛ پذیری بیشتری در مورد برخی متحدان راهبردی ایران نظیر حزب ZWNJ؛ الله لبنان دارد. پس به جای تمرکز بر این گروه، سایر گروه ZWNJ؛ های نیابتی نظیر حماس، جهاد اسلامی، حوثی ZWNJ؛ ها در یمن و همین ZWNJ؛ طور برخی شبه ZWNJ؛ نظامیان در عراق را در فهرست موضوعات مذاکراتی خود قرار می ZWNJ؛ دهد. اما حزب ZWNJ؛ جمهوری ZWNJ؛ خواه در این ارتباط انعطاف ZWNJ؛ پذیری ZWNJ؛ های محدودتری از خود نشان می ZWNJ؛ دهد.

ج: دموکرات ZWNJ؛ ها حاضرند برای تشویق ایران به محدودسازی برنامه موشکی ZWNJ؛ اش، مذاکرات را از حالت دوجانبه به حالت چندجانبه و منطقه ZWNJ؛ ای تبدیل کنند تا این مشکل در قالب یک پیمان منع ZWNJ؛ اشاعه و گسترش موشک ZWNJ؛ های بالستیک در کل منطقه مورد پیگیری قرار گیرد؛ امری که پذیرش آن برای جمهوری ZWNJ؛ خواهان دشوارتر است و بیشتر متمایل به مذاکرات دوجانبه در این رابطه هستند.

د: دموکرات ZWNJ؛ ها در برخورد با ایران رویکردهای دیپلماتیک را ترجیح می ZWNJ؛ دهند و از قدرت نظامی به عنوان پشتوانه آن استفاده می ZWNJ؛ کنند اما جمهوری ZWNJ؛ خواهان در موارد ضروری از استفاده از اهرم نظامی در قالب (ATTACK) نه (WAR) یعنی حمله کوتاه ZWNJ؛ دامنه، مقطعی، موردی و کم ZWNJ؛ شدت پشتیبانی می ZWNJ؛ کنند.

ه: اگرچه برنامه دموکرات ZWNJ؛ ها نسبت به ایران عمل ZWNJ؛ گرایانه ZWNJ؛ تر است. ولی در عین حال پیچیده ZWNJ؛ تر نیز هست (برنامه سه ZWNJ؛ مرحله ZWNJ؛ ای شامل محدودسازی تنش ZWNJ؛ ها، رایزنی با متحدان منطقه ZWNJ؛ ای، بین ZWNJ؛ المللی و همین ZWNJ؛ طور حزب جمهوری ZWNJ؛ خواه در کنگره در ارتباط با پرونده ایران و در انتها مذاکرات در دو مسیر موازی شامل اصلاح برجام و نقش منطقه ZWNJ؛ ای ایران) و این پیچیدگی با ساخت و بافت فکری نخبگان سیاسی ایران همخوانی ندارد، چراکه این مساله را ذیل غرب ZWNJ؛ ستیزی ریشه ZWNJ؛ دار تاریخی قرار می ZWNJ؛ دهند و این بر بدگمانی ZWNJ؛ ها و سوء تفاهات می ZWNJ؛ افزاید و رغبت میان نخبگان سیاسی را برای ادامه کار با ایالات ZWNJ؛ متحده دچار استحاله می ZWNJ؛ کند. این در حالی است که برنامه جمهوری ZWNJ؛ خواهان و دولت ترامپ به مراتب ساده ZWNJ؛ تر و فاقد پیچیدگی ZWNJ؛ های فنی- تکنیکی و همین ZWNJ؛ طور سیاسی است. آنها می ZWNJ؛ خواهند همه معضلات با ایران را در قالب یک توافق جامع حل کنند و این مساله نیت ZWNJ؛ خوانی و سنجش هدف طرف مقابل را برای مقامات تهران آسان ZWNJ؛ تر می ZWNJ؛ کند.

و: دموکرات ZWNJ؛ ها همچنان به سیاست مداخله ZWNJ؛ گرایانه و ایفای نقش رهبری جهان توسط آمریکا باور دارند و از همین ZWNJ؛ رو منطقه ZWNJ؛ خاورمیانه و چالش ZWNJ؛ های ریشه ZWNJ؛ دار در آن را فرصتی برای احیای قدرت نرم و دیپلماتیک ایالات ZWNJ؛ متحده در سطح بین ZWNJ؛ المللی می ZWNJ؛ دانند. این در حالی است که در میان بخش مهمی از

نخبگان فکری و سیاسی جمهوری و خواهان نظیر مارتین ایندیک، دونالد ترامپ و سناتور رند پال نوعی بی‌زنجیر، رغبتی عمیق نسبت به تداوم مداخلات سیاسی و نظامی آمریکا در این منطقه از جهان دیده می‌شود و این پرسش به طور عمده مطرح می‌شود که آیا خاورمیانه ارزش هزینه‌های سنگین اقتصادی را برای ایالات و متحده دارد؟ بنابراین همین بی‌زنجیر، میلی می‌تواند فضای مانور بیشتری به قدرت‌های رقیب آمریکا در منطقه نظیر روسیه و چین دهد.

اما صرف‌نظر از این وجوه مشترک و متمایزکننده میان دو حزب، معمای روابط ایران و آمریکا یک طرف مهم دیگر نیز دارد و آن سیاست‌مدارانی هستند که در تهران مستقرند. تجربه چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که نخبگان ایرانی هر نوع مذاکره با آمریکا را صرفاً جهت رفع اضطرار و فشار برمی‌گزینند. همانند تجربه مذاکرات مک‌فارلین و همین‌طور برجام. از همین رو نامحتمل به نظر می‌رسد نسل فعلی نخبگان ایرانی به دنبال تحول چشمگیر و عمده در روابط ایران و آمریکا باشند. به هر حال نوعی بدبینی مزمن تاریخی به واشنگتن میان این نسل ریشه دوانده است که این خود یکی از موانع جدی هر گونه گشایش در روابط دوجانبه خواهد بود. بنابراین ما در این ماجرا با یک معادله سه‌سویه مواجهیم: ترامپ، بایدن و ایران و حل این معما به بررسی همزمان این متغیرها و اندازه‌گیری تاثیرگذاری هر یک از آنها بر آینده روابط تهران و واشنگتن نیاز دارد. به همین دلیل است که نیمی از پاسخ به این پرسش که ترامپ بهتر است یا بایدن در ید اختیار مقامات مستقر در تهران قرار دارد و نوع ادراکات و برداشت‌های نخبگان سیاسی از این دو نامزد و برنامه‌های احتمالی‌شان و همین‌طور طرز بینش کلی آنها نسبت به معمای چهل ساله ایالات و متحده آمریکا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی.

*تحلیلگر روابط بین‌الملل

منبع: دنیای اقتصاد